

# اسنادی از ایرانیان شمال قفقاز در آرشیو کتابخانه مجلس شورای اسلامی

مهدی احمدی<sup>۱</sup>

## درآمد

فروپاشی نظام اقتصاد سنتی ایران به رهایی و بی‌کاری نیروی کار، به ویژه دهقانان منجر شد. موقعیت خاص تاریخی - جغرافیایی اقتصاد ایران در زمان ادغامش در نظام جهانی چنان بود که نیروی کار مازادی که از بخش‌های سنتی آزاد می‌شد، نمی‌توانست از طریق استخدام در بخش‌های جدید دوباره جذب بازار کار شود. این مسئله ناشی از این واقعیت بود که، برخلاف سرمایه‌داری در اروپا، نظام اقتصاد جدید ایرانیان در جهت ایجاد و رشد بنگاه‌های صنعتی هدایت نمی‌شد. در نتیجه نیروی کاری که از بخش‌های سنتی آزاد می‌شد راهی جز مهاجرت پیش رو نداشت<sup>۲</sup>.  
پدیده مهاجرت به خارج از مرزها، از نیمه دوم قرن نوزدهم به خصوص در اوایل قرن بیستم شتاب بیشتری یافت. در این زمان ممالک هم‌جوار ایران همچون هندوستان و مناطقی از امپراتوری عثمانی و جنوب روسیه پذیرای جمع‌کنندگی از ایرانیان به خصوص نیروی کار فاقد تخصص و سواد بودند؛ در این میان منطقه قفقاز بیشترین تعداد ایرانیان را در خود جای داده بود<sup>۳</sup>.  
پیشرفت صنعتی منطقه قفقاز جاذبه فراوانی برای ایرانیان بیکار و تهیدستی داشت که از بلایای طبیعی،

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات قفقاز و آسیای مرکزی دانشگاه تهران.

۲. شاکری، خسرو. پیشینه‌های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی، تهران: اختران، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳.

۳. دهنوی، نظام‌علی. ایرانیان مهاجر در قفقاز، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳، صص، ۱، ۲.

فشار خودکامه‌گان و افول شایان توجه بنیان‌های اقتصادی کشورشان، رنجور بودند. بدین ترتیب سیل مهاجرت ایرانیان به منطقه قفقاز همواره رو به افزایش می‌نهاد.<sup>۱</sup>

### شرایط زندگی ایرانیان در قفقاز

در خصوص شمار مهاجران ایرانی در قفقاز آمار و ارقام صحیحی در دست نیست، اما اسناد و مدارک به جای مانده نشان دهنده گسترش رو به رشد مهاجرت ایرانیان به آنجاست. مثلاً نایب کنسول ایران مقیم گنجه در گزارشی به وزارت امور خارجه در جمادی‌الثانی ۱۳۲۹، تعداد ایرانیان در گنجه را بالغ بر چهل هزار نفر تخمین زده است، مطمئناً این افزایش رو به رشد بر وضعیت زندگی آنها نیز تأثیر داشت.<sup>۲</sup>

شرایط زندگی ایرانیان در قفقاز بسیار سخت و مشقت‌بار بود. به گفته بلووا، اکثر مهاجران، مردم فقیری بودند که صدها کیلومتر پیاده راه پیموده و مخفیانه از مرز گذشته بودند. فرماندار الیزاتپل می‌نویسد: «ایرانی بینوایی که در وطنش دولت او را چاییده و غالباً حتی یک پول سیاه در جیبش نیست، صبح که می‌شود مطمئن نیست که در طول روز بتواند چیزی بخورد، و نمی‌داند شب که شد کجا بخوابد. چنین مرد بینوایی گرسنگی کشیده‌ای که در مسیرش به روسیه به ندرت لقمه نانی گیرش می‌آید، وقتی مایوس و درهم شکسته از مرز رود ارس می‌گذرد، به دنبال هدف رؤیایی‌اش می‌گردد، یعنی کار در قره‌باغ، گنجه و ...»<sup>۳</sup>

اغلب کارگران ایرانی به اموری دون پایه و پرمشقت و خطرناک می‌پرداختند که بسیاری از آنان حتی جان خود را از دست می‌دادند. جمع کثیری از آنها در اسکله‌ها، به حمل و نقل بار در کشتی‌ها و بندرگاه مشغول بودند. ایرانیان در قفقاز مجبور به پذیرش مشاغلی می‌شدند که کارگران محلی به خاطر دستمزد پایین و شرایط سخت کار، از آن رویگردان بودند. همچنین عده‌ای از آنها در مزارع و معادن و حفر چاه‌های نفت و ... به امور شاق و دون پایه به شیوه‌ای ذلت‌بار و خطرناک به کار می‌پرداختند.

زین‌العابدین مراغه‌ای در سیاحتنامه ابراهیم بیگ می‌نویسد که: «یک طرف هم دیدم مردم جمع شده، های و هوی بلند گشت، و یکی را میزنند و با آواز بلند میگویند بنزید این همشهری پدر سوخته را، و هر کس رسید می‌زند. پرسیدم این بیچاره را به چه گناهی می‌زنند و کیست؟ و چه کاره است؟ گفتند ایرانی و مزدور، یعنی عمله یکی از کشتیهاست که صاحبش مسلمان و از اهالی بادکوبه است. زندگان نیز مزدوران کشتی و از اهل این بلدند... اهل بادکوبه در حق ایرانی خیلی بی‌رحم هستند»<sup>۴</sup>.

کارگران ایرانی در قفقاز به سبب فقرشان با ساکنان بومی نیز رو به رو می‌شدند و دشمنی نسبت به آنها شدید بود کتک خوردن کارگران ایرانی از سوی کارگران دیگر اتفاق نامعمولی نبود، عنوان «همشهری» به

۱. همان، ص ۷.

۲. همان، ص ۸.

۳. خسرو شاکری، (۱۳۸۴)، ص ۱۲۱.

۴. همان، ص ۱۲۳.

زودی معنای «حیوان» و «شبه انسان» پیدا کرد.<sup>۱</sup>  
در چنین شرایطی که ایرانیان مقیم قفقاز داشتند، تنها محل دادرسی و کمک به آنها کنسولگری‌های ایران در شهرهای قفقاز بود که وظیفه آنها رسیدگی به مشکلات ایرانیان در آن شهرها بود.

## - کنسول، کنسولگری (Consulat-consul)

کنسول یکی از مقامات مهم هر هیئت دیپلماتیک است که قسمت عمده وظایف اجرایی هر سفارتخانه‌ای را به عهده دارد. از جمله این وظایف، رسیدگی به وضع اتباع کشور مربوطه در کشور میزبان و ایجاد تسهیلات لازم برای مسافرت اتباع کشور میزبان مانند صدور ویزا و غیره می‌باشد.<sup>۲</sup>

سفارتخانه‌ها می‌توانند علاوه بر کنسول مقیم در پایتخت، در شهرهای مهم کشور میزبان نیز، کنسولگری دائر کنند. تعداد این کنسولگری‌ها و اعضای آنها بسته به درجه اهمیت روابط دو کشور و نیاز واقعی به تأسیس کنسولگری و توافق طرفین است. معمولاً هر چه تعداد اتباع یک کشور در کشور دیگر بیشتر باشند، نیاز بیشتری به تأسیس کنسولگری احساس می‌شود.<sup>۳</sup>

در صورتی که کشوری چند کنسولگری در کشوری دیگر داشته باشد، یک سرکنسولگری هم تأسیس می‌نماید که بر امور کنسولگری‌ها نظارت کند. سرکنسول یا کنسول از نظر اداری تابع سفیر هستند ولی نسبت به اعضای دیگر سفارت در کار خود استقلال بیشتری دارند.<sup>۴</sup>

درخصوص کنسولگری‌های ایران در شهرهای قفقاز، باید گفت که در مواردی کوتاهی می‌کردند یا اینکه خود کنسول‌ها برای مهاجران گرفتاری به وجود می‌آوردند. مثلاً کارکنان کنسولگری غالباً نقش واسطه را بین تازه‌واردان و صاحبان کارخانه و معدن بازی می‌کردند. گفته می‌شود که این مقامات با تبانی کارخانه‌داران، حقوق کمی به تازه‌واردانی که از بازار کار کاملاً بی‌خبر بودند، می‌پرداختند و به ثروت خود می‌افزودند. همچنین کارگزاران ایرانی در قفقاز به جای حمایت از حقوق اتباع ایرانی، در قبال دریافت مبالغی از کارفرمایان و اتباع روسی، حقوق آنان را زیر پا می‌نهادند و جانب خارجی‌ها را می‌گرفتند. ژنرال کنسولگری ایران در کل قفقاز نیز به این امر اعتراف می‌کند که «اگر چنانچه بین اتباع ایران و روس واقعه‌ای رخ می‌داد، مأموران ایرانی جانب اتباع خارجی را می‌گرفتند»<sup>۵</sup>

از جمله راه‌های کسب درآمد نامشروع کنسول‌ها و مأموران ایرانی در قفقاز، دریافت وجوهی غیرقانونی

۱. مراغه‌ای، زین‌العابدین. سیاحتنامه ابراهیم‌بیگ، با مقدمه و حواشی؛ محمدمین، نشر سپیده، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۳۶.

۲. طلوعی، محمود. فرهنگ جامع سیاسی، تهران؛ نشر علمی و سخن، ۱۳۷۲، ص ۷۰۴.

۳. همان، ص ۷۰۴.

۴. همان، ص ۷۰۴.

۵. ژنرال کنسولگری ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه، اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۶، کارتن ۳۵، پرونده ۶.

از اتباع ایرانی فاقد تذکره یا کسانی که در صدد تجدید تذکره خود بر می آمدند، بود. افرادی چون میرزا احمدخان، کنسول ایران در باطوم، برای تجدید تذکره اتباع ایرانی وجوهی دو برابر مبلغ مقرر از آنان اخذ می نمود و از این بابت مبالغ هنگفتی به دست می آورد. وی در راستای اقدامات غیرقانونی و ظالمانه اش تا آنجا پیش رفت که با اعمال زور و فشار از مغازه دارهای ایرانی باج می گرفت و اگر مغازه دارها از پرداخت باج به وی خودداری می کردند، آنان را به خلافهایی که انجام نداده بودند متهم کرده و شکنجه می داد.<sup>۱</sup> محمدامین رسول زاده در این باره گواهی می دهد که «قونسول خانۀ ایران تمام مظالمی که تا آن وقت در ایران واقع می شد در باکو نسبت به اتباع ایران دریغ نمی داشت؛ جریمه می کرد، محاکم می نمود، به حبس می انداخت، کتک می زد، همه کار را مرتکب می شد و قانون روسیه هم جلو آن را نمی گرفت.»<sup>۲</sup> با این تفاسیر کارگران ایرانی به غیر از کنسولگری ها هیچ پناهگاه دیگری نداشتند و همه امیدشان به آنها بود؛ هنگامی که یک کنسولگری در شهری تعطیل می شد آنها مکرراً از دولت ایران درخواست می کردند که از تعطیلی آن جلوگیری کند. اسنادی که در ادامه آورده شده<sup>۳</sup>، مربوط به ایرانیان شمال قفقاز است که خطاب به مجلس شورای ملی و وکلای آذربایجان نوشته اند و از آنها درخواست کرده اند تا از تعطیلی کنسولگری ایران در راستوف جلوگیری کنند.



۱. همان.
۲. خسرو پناه، محمدحسین، الیور باست. فرقه عدالت ایران از جنوب قفقاز تا شمال خراسان، تهران؛ انتشارات پژوهش دانش و شیرازه، پاییز ۱۳۸۸، ص ۲۳.
۳. مجموعه اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی: ۹/۱۱۵/۳۲/۲۶.

[سند شماره ۱]

ریاست مجلس شورای ملی و وکلای آذربایجان

طهران

۳۴/۶/۲۹

به کرات تلگرافاً به مصادر امور طهران عرضحال و نماینده به مسکو به سفارت کبری اعزام نموده که به ما ایرانیان شمال قفقاز در شهر راستوف سرپرست قونسول اشد ضرورت می باشد. حالا هم عاجزانه استدعای عیبده و استرحام می نمائیم که فوق الطاقه در فشار هستیم. به ما سرپرست حافظ حقوق لازم است.

ترجم ترجم ترجم ایرانیان

۲۸/۵/۳۴

Teheran

Kaize Mokhtarame Parlaman

vokalaie Azerbaidjan

dar Rostav Chemale Caucas

Taidar aulmagh ghausaulkhane va

ghausaul Achadde Zaraurat daur

biz Iranilaara Tarokham

Tarokham Tarokham. Iranian..

## [سند شماره ۲]

### ساحت مقدس مجلس شورای ملی

خاطر مبارک را مستحضر می‌داریم این فدویان ایرانیان داغستان چندی قبل از مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه و وزراء عظام تلگرافاً استدعای ادامه قونسولگری محترم راستف را نموده، متأسفانه استدعای فدویان مورد قبول واقع نگشته و قونسولگری راستف را تعطیل فرمودند. اینک توجهات مخصوصه مجلس شورای ملی را به مراتب مظلومیت و فلاکت این بندگان جلب و جسارتاً معروض می‌داریم. دو سال قبل که بر حسب تصمیم اولیاء دولت شاهنشاهی ویسقونسولگری محاج قلعه حذف گردید از طرف سفارت منیه شاهنشاهی امورات مقیمین داغستان به قونسولگری محترم راستف ارجاع داده شد، قونسولگری محترم راستف نیز در موارد لزوم مساعدتهای لازمه را می‌فرمودند. و نظر به زیادی کاری که در حوزه داغستان از جهت کثرت اتباع موجود بود و می‌باشد، قونسول محترم راستف نیز گاهی شخصاً به محاج قلعه تشریف فرما شده، از این فدویان سرکشی می‌فرمودند. در این موقع که قونسولگری محترم راستف تعطیل و کارهای کلیه ایرانیان شمال قفقاز و داغستان به سفارت منیه شاهنشاهی مسکو محول گردیده، این مسئله برای فدویان تکلیف خارج از حد امکان می‌باشد. زیرا ما ایرانیان این محل که بالغ بر هفت هزار خانوار می‌باشیم نوعاً بی‌سواد و هر دسته از ماها در یکی از نقاط کوهستانهای داغستان از سابق زنده‌گانی محلی برای خود تهیه و ابداً راه مراجعه به سفارت منیه بوسیله عرضحال کتبی و یا غیره را نمی‌دانیم. از طرفی هم برای هر فرد فرد از ماها مسافرت کردن به مسکو (که هفتاد ساعت با خط راه‌آهن مسافت است) و استدعای مساعدت از سفارت منیه مقدور نیست. زیرا بطوریکه معروض گردید نوعاً عمله و کارگر و ابداً استطاعت و بضاعت مسافرت به مسکو را نداریم. وانگهی قریب دو هزار نفر از ماها را (بملاحظه نداشتن اوراق جواز اقامت) شعبه خارجه محل شعبه شوروی شناخته، تقاضای شهادتنامه قونسولگری را می‌نمایم که بعد از پیشنهاد آن ما را به تابعیت اصلیه ایرانی برگردانده، ثانیاً ویزای خروج از مملکت شوروی را بدهد. بخصوص زنان مسلمة ایرانی که تاکنون اسماء آنها در تذکره شوهران خود ثبت و تابحال همانطور زنده‌گانی می‌کرده حالا شعبه خارجه تکلیف پیشنهاد شهادتنامه قونسولگری و یا اخذ تذکره شوروی را می‌کند و این را هم معروض می‌داریم که به کار تذکره این قبیل به یکماه و دو ماه و سه ماه خاتمه داده نشده، قهرماً چندین مرتبه احتیاج مراجعه به قونسولگری و تقاضای مساعدت را داریم. برای قسمتی از ماها که کار تذکره مان صحیح است کارهایی از قبیل مالیات و غیره اتفاق می‌افتد که تا زمانیکه به مسکو مراجعه نموده از سفارت منیه استدعای مساعدت می‌نمائیم. بکلی از هستی ساقط شده دچاران گونه اشکالات واقع خواهیم گردید. لذا جسارتاً استدعای عاجزانه می‌نمائیم. (وزارت جلیله امور خارجه مستحضرند) در هر کدام از ولاد قفقاز و محاج قلعه و راستف عمارت مخصوصی بنام قونسولگری مهیا است. مقرر فرمایند در یکی از نقاط مزبور یک قونسولگری و یا اینکه حداقل یک ویسقونسولگری موقتاً تأسیس فرمایند که در ظل مراحم اولیاء دولت شاهنشاهی به کلیه کار تذکره و سایر امورات فدویان خاتمه داده شده، اسباب مسافرت خود را فراهم نموده باوطن مألوف عزیزت نمائیم. والا ما یک مشت رعایای دولت شاهنشاهی بکلی از پا افتاده در آتیه نیز از مراجعت به ایران محروم خواهیم ماند.

در خاتمه نیز جسارتاً معروض می‌داریم چنانچه مجلس شورای ملی عرایض فوق فدویان را قرین به صحت ندانند، عاجزانه التماس می‌نمائیم مأمور مخصوص به این صفحات اعزام فرمایند که زیادی کار و فلاکت هفت هزار خانوار ایرانی در حوزه داغستان را برای‌العیین مشاهده نموده، مراتب را پورتاباً بعرض برساند. پیوسته منتظر مراحم و الطاف مبارک میباشیم.

۴  
۱۰۰  
سخت‌تر مجلس شورای ملی سیدیه کازان  
۱۳۱۹ / ۱۲  
۲۲  
۶۹  
خطاب به ۴۰۰ نفر در ۱۳۱۹

استدعا نمودیم که قوت‌نگار قهرم برکت با نوره تا سنازه بسته‌های فدویان مودود قبول واقع گشتند و در اثری که در این وقت است  
مخصوصاً مجلس شورای ملی را به دست بطوریت نجات این سینه‌ها جنبه بسیار با کمونی می‌دیدیم و هر سال جبر که بر جسم فدویان و دولت است  
و مقبولی که هیچ‌گاه حذف‌ناپذیر بود و در طرف سعادت نیست است و در صورت متعین در داغستان به قوت‌نگاری قهرم به جهت درج در دست‌ها و دولت  
به جهت تیر سوخته بودیم که سیدیه‌ها می‌فرمودند و نظیر زبیدی که در حوزه داغستان از قهرم تیر است و هر چه بود و قوت‌نگار  
به جهت تیرهای که هیچ‌گاه حذف‌ناپذیر است و در این فدویان سگس می‌فرمودند. در این قهرم که قوت‌نگاری قهرم به جهت نظیر و کارهای که در این  
سوال تعداد و جهت بر سفارت نیست است و هر سال قوت‌نگار که در این قهرم به جهت نظیر و کارهای که در این  
این قهرم که هیچ‌گاه حذف‌ناپذیر است و هر سال قوت‌نگار که در این قهرم به جهت نظیر و کارهای که در این  
و در راه و هر چه بر سفارت نیست و سیدیه‌ها می‌فرمودند و نظیر زبیدی که در حوزه داغستان از قهرم تیر است و هر چه بود و قوت‌نگار  
با خط راه همین سافت است (به سیدیه‌ها می‌فرمودند و نظیر زبیدی که در حوزه داغستان از قهرم تیر است و هر چه بود و قوت‌نگار  
سافت است و سیدیه‌ها می‌فرمودند و نظیر زبیدی که در حوزه داغستان از قهرم تیر است و هر چه بود و قوت‌نگار  
سیدیه‌ها می‌فرمودند و نظیر زبیدی که در حوزه داغستان از قهرم تیر است و هر چه بود و قوت‌نگار  
که تا آن زمان راه‌ها در دست بود و سیدیه‌ها می‌فرمودند و نظیر زبیدی که در حوزه داغستان از قهرم تیر است و هر چه بود و قوت‌نگار  
سیدیه‌ها می‌فرمودند و نظیر زبیدی که در حوزه داغستان از قهرم تیر است و هر چه بود و قوت‌نگار

پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

